

متن پرسش

با عرض سلام: در سوال ۱۷۵۰۲ آمده است: ایشان به من می‌فرمودند ما در محضر آقا شیخ مجتبی دو تا درس می‌خواندیم. ساعت اول ایشان فلسفه و منطق به ما درس می‌داد؛ خیلی دقیق، درست و فنی. ساعت بعد همان حرفها را مطابق نظریه‌ی مکتب تفکیک رد می‌کرد. با توجه به این مطلب که جناب حداد از قول رهبری نقل کردند مشخص می‌شود که اینگونه نیست که همه تفکیکی‌ها به فهم فلسفه نائل نشده باشند و صرفاً بر اساس برداشتهای نادرست خود از فلسفه به نقد آن پرداخته باشند بلکه جناب قزوینی علی‌رغم تسلط کامل و بتعبیر رهبری خیلی دقیق خود بر فلسفه باز آن را مردود می‌دانستند و حقیقت را در مکتب تفکیک یافتند نظر حضرتعالی چیست و اگر مکتب تفکیک برحق است چگونه آشنا شویم و چه سیری را توصیه می‌کنید تا بتوفیق حق به آموزه‌های ناب اسلام بدور از پیرایه‌های یونانی و هندی و .. دست یابم نظر خودم اینست که از علامه حکیمی چون مطالبش سهل الوصول‌ترست شروع کنم اما بنظر می‌رسد آن تسلط علامه قزوینی بر فلسفه را نداشته باشند به هر حال خودتان هر کدام را صلاح می‌دانید بیان فرمایید تا آمادگی برای ادراک اندیشه‌های گهربار علامه میرزامهدی اصفهانی اعلی‌الله مقامه الشریف برایم فراهم شود و با سلوک ذیل شخصیت ایشان به چشمه زلال قرآن و عترت بدور از تمام ناخالصی‌ها دست یابم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به گفته‌ی استاد حکیمی، علامه‌ی طباطبایی هم اهل تفکیک بوده‌اند زیرا به خوبی متوجه‌ی جایگاه فلسفه و دین می‌شدند و هرگز این دو را مخلوط نمی‌کردند. بحمدالله بنده هم خود را اهل تفکیک می‌دانم. ولی تفکیکی‌های رسمی انکارِ عقل فلسفی می‌کنند و با امثال جناب ملاصدرا، دشمنی می‌نمایند. مگر بنا بود عقل فلسفی را هم‌تراز وحی بدانیم؟! که این‌همه وقت صرف می‌کنند که یک طوری آبروی فیلسوفان را ببرند، زیرا چیزی جز این کارها بلد نیستند. موفق باشید